کیهان

فرایند جابه‌جایی قدرت با چراغ سبز آمریکا

قطر کوچک با آرزوهای بزرگ

اشاره

شبکه الجزیره، منابع عظیم نفت و گاز و یک سیاست خارجی بلند پروازانه در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و این که با پرداختن رشوه های کلان توانسته است میزبانی جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲را به دست آورد؛ تمام چیزهایی است که در وهله اول از شنیدن نام کشور قطر در اذهان نقش می بندد، حال امیر این کشور بسیار کوچک که آرزوی رهبری جهان عرب را نیز در سر می پروراند؛ قدرتی را که خود زمانی با زور و کودتا از پدر تصاحب کرده بود را به پسرش شیخ تمیم واگذار کرده است . چرایی این جابه جایی و تاثیر آن در سیاست داخلی و خارجی دوحه و احیانا در کشمکش بر سر قدرت در خاندان آل ثانی پرسش های روزی است که اذهان تحلیل گران را به خود جلب کرده است.

سرویس خارجی کیهان

تألیف و گرد آوری : سیدمحمد امین‌آبادی

استبداد، فساد و اقصاد رانتی

شبه‌جزیره کوچک قطر، در ساحل جنوبی خلیج فارس و با مساحت ۱۱ هزار و ۴۹۳ کیلومتر مربع و جمعیت یک میلیون و ۸۵۴ هزار نفری که کمتر از یک سوم آن را قطری‌های اصیل تشکیل می‌دهند، این روزها سرگرم آماده‌کردن مقدمات انتقال قدرت از شیخ حمدبن خلیفه امیر کنونی به فرزندش شیخ تمیم ولیعهد جوان و جویای نام کشور است. چرا امیر قطر به این جابه‌جایی قدرت تن داده است؟ نقش مناسبات قدرت در خاندان آل ثانی و نقش همسر سوم شیخ حمد در این جابه‌جایی قدرت چیست؟ دیدگاه‌های امیر آینده و تاثیری که در سیاست خارجی و داخلی این کشور خواهد گذاشت چیست؟ سیاست خارجی قطر در منطقه خاورمیانه و اختلافات این کشور با عربستان و مصر بر سر رهبری جهان عرب روابط دوحه با رژیم اسرائیل و آمریکا همگی مسائل و سئوالاتی است که در رابطه با این جابه‌جایی قدرت مطرح هستند.

در تحلیل وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس نمی‌توان نسبت مستقیم اقتصاد رانتی مبتنی بر نفت، دیکتاتوری، استبداد داخلی و وابستگی خارجی را نادیده گرفت. به دلیل درآمدهای سرشار ناشی از فروش نفت و گاز، دولت‌های حاکم بر کشورهای عربی کوچک ترین نیازی به درآمدهای مالیاتی و پشتیبانی مردمی از سیاست‌های خود نداشته‌اند. چون دولت نیازی به مالیات برای گذران امور ندارد لذا ضرورتی نیز به پاسخگویی نمی‌بینند. این رابطه مستقیم در کنار فرهنگ قبیله‌ای حاکم بر زندگی اعراب زمینه را برای ایجاد و بازتولید مستمر دیکتاتوری در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس فراهم کرده است در بیشتر این کشورها بر اثر کودتا و یا مداخله خارجی و در این مورد بویژه انگلیس خاندانی قدرت را به دست گرفته و چرخش قدرت نیز یا بر اثر رسم موروثی اعراب از پدر به پسر و یا برادر منتقل شده و یا این جابه‌جایی قدرت بر اثر کودتا بوده است. به دلیل مستقل نبودن قوا و به ویژه فقدان یک دستگاه قضایی مستقل از خاندان حاکم پاسخگو نبودن و گردش قدرت، زمینه برای تسلط یک یا چند خاندان به تمامی ارکان قدرت و ثروت در این کشورها فراهم شده که این خود زمینه‌ساز بروز فسادهای کلان و دخالت‌های گسترده خارجی را در امر داخلی این کشورها فراهم کرده است. فساد گسترده اقتصادی به دلیل درآمدهای کلان و تمرکز این درآمدها در دست خاندان حاکم زمینه را برای بروز شکاف‌های گسترده اجتماعی در این کشورها نیز به بار آورده است. در اکثر این کشورها یک اقلیت بسیار ثروتمند وابسته به قدرت در کنار یک اکثریت محروم شکل گرفته است. از آن جایی که خاندان حاکم بر این کشورها تلقی بسیار عامیانه‌ای از توسعه دارند و آن را تنها در ورود ظواهر مدرنیته بدون بسترسازی اجتماعی تلقی می‌کنند خود این مسئله زمینه را برای بروز بحران‌های اجتماعی در این کشورها فراهم می‌کند.

به دلیل متکی نبودن به حمایت مردمی و نبود مشروعیت داخلی اکثر خاندان های حاکم بر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس تداوم حضور خود را بر سر قدرت در وابستگی به قدرت‌های خارجی برتر جست‌وجو می‌کنند.

همه کشورهای عرب حاشیه خلیج‌فارس همگی و بدون استثنا روابط بسیار حسنه‌ای با ایالات متحده دارند چرا که تداوم حضور خود را بر سر قدرت از صدقه سرآمریکا می‌دانند. حتی این وابستگی به آمریکا تا حدی است که هرگونه جابه‌جایی قدرت نیز باید اول مورد تأیید واشنگتن قرار بگیرد. خانواده‌ای که بتواند مناسبات گرم تری با دولتمردان آمریکایی برقرار کند اقبالش برای تصاحب ارکان قدرت بیشتر می‌شود. به دلیل نفوذ گسترده لابی صهیونیستی در آمریکا و نفوذ این کشور در کشورهای عرب منطقه خلیج‌فارس نوعا این حکومت‌ها نگاه بسیار مثبتی به اسرائیل داشته و روابط سیاسی و بازرگانی و امنیتی گسترده‌ای نیز با تل‌آویو برقرار کرده‌اند.

تاثیر بر سیاست داخلی و خارجی

کشور بسیار کوچک قطر دارای منبع درآمد بسیار عظیم نفتی و گازی است. قطر سومین کشور دارنده ذخایر گاز پس از روسیه و ایران است. اقتصاد قطر یک اقتصاد کاملا وابسته به نفت و گاز و رانتی محسوب می‌شود. اگرچه این کشور درآمدها دیگری نظیر گردشگری دارد ولی ذخیره گازی‌اش برای حدود ۲۰۰ سال آینده کافی است. قطر به علت پیش‌دستی در استفاده از میدان گازی پارس جنوبی توانسته است بیش از ایران از این میدان بهره‌برداری کند و به همین دلیل، رشد اقتصادی ۲۰ درصد را تجربه می‌کند.

این منبع درآمدی کلان پشتوانه سیاست خارجی بسیار بلند پروازانه شیخ حمدبن خلیفه آل ثانی حاکم قطر شده است. تمامی این درآمد هنگفت بدون هیچ حساب و کتابی در اختیار امیر قطر قرار دارد. افشاگری‌های شیخ خلیفه پدر شیخ حمد امیر کنونی پس از کودتا علیه خود این ادعا را ثابت می‌کند. وی درباره درآمدهای نفتی کشور قطر گفته بود که بخشی از این درآمدها به حساب شخصی امیر ریخته می‌شود که درآمدی سالیانه بیش از ۱۰ میلیارد دلار است. همچنین وی گفته بود که ۲۰درصد از این درآمدها صرف شیوخ قطر و دستگاه‌های خدماتی آنها می‌شود. دیگر آن که امیر قطر سهم مشخصی در تمامی شرکت‌ها و موسسات حکومتی و خصوصی دارد و تمامی رشوه‌ها و مبالغ مربوط به توافقنامه‌های بهداشت و درمان کشور و خریدهای تسلیحاتی نیز به حساب امیر قطر و فرزندانش واریز می‌شود. این اسرار زمانی علنی‌تر شدند که شیخ حمد رسما از بانک‌های سوئیس خواست اموال پدرش، شیخ خلیفه را از بیم برداشت توسط وی توقیف کنند.

چنان که در مقدمه نیز گفته شد قطر یک کشور با اقتصاد رانتی است. جابه جایی قدرت نیز در آن از طریق انتخابات برگزار نمی‌شود و موروثی است، این کشور علی‌رغم ژست‌های بسیار آزادیخواهانه‌ای که از طریق شبکه الجزیره در قبال بقیه کشورهای جهان عرب می‌گیرد و خواهان ایجاد فرایندهای دموکراتیک در کشورها است ولی سیستم حکومتیش بسیار استبدادی است. به دلیل دخالت نداشتن مردم در مشروعیت‌بخشی به حکومت و نیز جابه جایی قدرت، چنان که شیوه معمول همه کشورهای رانتی و دیکتاتوری منطقه است هرگونه تغییر محسوس و کلان در سیستم حکومتی و سیاست داخلی کشور قطر با ایالات متحده هماهنگ می‌شود. ایالات متحده نیز تا اطمینان حاصل نکند که امیر جوان در مسیر سیاست‌های واشنگتن در خاورمیانه قدم خواهد برداشت و نسبت به فرایند سازش اعراب و اسرائیل دیدگاه مثبتی ندارد. هرگز اجازه این جابه‌جایی قدرت را نمی‌دهد.

آمریکا در قطر پایگاه العدید را که بزرگ ترین پایگاه نظامی این کشور در منطقه است در اختیار دارد. تجهیزات و تعداد نظامیان آمریکایی در قطر بیشتر از ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین است. براساس نوشته نشریه «وال استریت ژورنال» پایگاه هوایی آمریکا در قطر بزرگ ترین پایگاه هوایی این کشور در خاورمیانه است به طوری که طول باند آن ۴۵۰۰ متر است و غول پیکرترین هواپیماها می‌توانند در آن به زمین بنشینند. این پایگاه هوایی با هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد دلار احداث شده و ۳۰۰۰نظامی آمریکایی در آن حضور دارند و از آنجا هواپیماهای حامل تانک و سایر تجهیزات نظامی و هواپیماهای جاسوسی آمریکا به سمت افغانستان به پرواز در می‌آیند.

شیخ حمد بن جاسم بن جبر آل ثانی وزیر خارجه گفته است «وقتی که یک نیروی نظامی بزرگ به قطر حمله کند ما نمی‌توانیم از آن دفاع کنیم، به همین دلیل نیازمند حضور نظامی آمریکا هستیم.» به علاوه آمریکا چند پایگاه هوایی دیگر در قطر دارد که از قصر امیر این کشور چندان دور نیست و مسئولان قطری کتبا حضور دائمی نظامیان آمریکایی را در کشور خود تضمین کرده‌اند. قطر با وجود این پایگاه نظامی حساس و مهم و نقشی که از طریق شبکه الجزیره در راستای پیگیری سیاست‌های آمریکا بازی می‌کند و دلارهای نفتی کلانی که برای پیشبرد سیاست خارجی همسوی خود با واشنگتن خرج می‌کند در راهبرد کلان آمریکا در منطقه خاورمیانه جایگاه ویژه‌ای دارد و طبیعتا کوچک ترین تغییرات را نیز در این کشور زیرنظر دارد. امیر قطر نیز چون امنیت کشورش را به دست آمریکا سپرده است لذا به طور قطع و یقین سیاست‌های کلان کشور و از جمله همین جابه‌جایی قدرت را با طرف آمریکایی هماهنگ کرده است.

* وال‌استریت ژورنال: پایگاه نظامی آمریکا در قطر بزرگ ترین پایگاه هوایی این کشور در خاورمیانه است.

* شیخ تمیم در مذاکرات خصوصی خود با آمریکا تمایل خود را به سازش اعراب و اسرائیل ابراز کرده است.

بسیار بعید است که جابه‌جایی قدرت تغییرات محسوسی در سیاست داخلی و سیاست خارجی بلندپروازانه قطر ایجاد کند. هرچند باید پذیرفت که به لحاظ تحلیل روان‌شناختی ویژگی‌های کلی ساختاری شخصیتی افراد ، مثل خوشبینی یا بدبینی ،توانایی‌های ذاتی مدیریتی به ویژه در شرایط بحرانی، محیطی که در آن رشد کرده و بزرگ شده‌اند، تحصیلات و سن و سال ،همگی از انسانی به انسان دیگر فرق می‌کند و انتقال قدرت از شیخ حمد به شیخ تمیم ممکن است تغییراتی نه در راهبردهای کلان بلکه در تاکتیک‌های رسیدن به اهداف ایجاد کند. چرا که تغییر در راهبردهای کلان لازمه داشتن پشتوانه قوی مردمی است که در این مورد تمیم از آن برخوردار نیست.

رابطه با رژیم صهیونیستی

قطر در شرایط کنونی در کنار عربستان و اردن رهبری جریان سازش اعراب و اسرائیل را برعهده دارد. هر چند دوحه اختلافات بسیار عدیده‌ای با ریاض بر سر مرزهای سرزمینی و خیز آن بر سر رهبری جهان عرب دارد. چالش‌ها میان عربستان و قطر به حدی است که می‌توان گفت نوعی صلح سرد بین آنها برقرار است. عملکرد و موضع‌گیری‌های تلویزیون‌های الجزیره قطر و العربیه عربستان نیز موید این است که این دو کشور طی سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری به سمت واگرایی حرکت کردند. اوج اختلافات این دو کشور از این اظهارنظر نخست‌وزیر قطر به خوبی روشن است. وی گفته بود: «رژیم عربستان بدون شک به دست قطر سرنگون خواهد شد و نیروهای ما روزی به شهرهای «قطیف» و «الشرقیه» وارد می‌شوند و عربستان را تجزیه خواهند کرد، زیرا این رژیم پیر است و «ملک عبدالله» فقط یک ویترین است. از سوی دیگر، هیچ امیدی به ارتش عربستان برای ایجاد تغییرات وجود ندارد.» علی رغم اختلافات عدیده، هر دو کشور در مورد پیگیری خط سازش با اسرائیل در منطقه توافق‌نظر دارند.

SKY NEWS SCREEN GRAB
ISNA

* «موزه» همسر سوم شیخ حمد نقش مهمی در انتقال قدرت به پسرش شیخ تمیم داشته است.

شیخ حمد بن خلیفه در دیداری که با «بیل کلینتون» رئیس جمهور وقت آمریکا در ژوئن ۱۹۹۷ میلادی در نیویورک داشت، در ارتباط با روند مذاکرات سازش تشکیلات خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی و عادی‌سازی روابط دوحه با تل‌آویو گفت: «مسئله برقراری مناسبات اقتصادی با تل‌آویو از درگیری‌های سیاسی اعراب و اسرائیل جداست. رابطه اقتصادی با تل‌آویو هیچ تاثیری در روند مذاکرات صلح خاورمیانه ندارد.» در حقیقت، تاریخ این روابط به سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد. یعنی زمانی که شیخ خلیفه بن حمد آل ثانی امیر سابق قطر از برگزاری کنفرانس صلح اعراب و اسرائیل در مادرید حمایت و تلاش کرد که نقش برجسته‌ای در تحولات خاورمیانه ایفا کند. هدف قطر این بود و هست که با عادی‌سازی مناسبات خود با رژیم صهیونیستی، حمایت‌های بین‌المللی به ویژه کشورهای غربی را از ارتقای جایگاه دوحه در تحولات خاورمیانه و جهان عرب به دست بیاورد. قطر اولین کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس و دومین کشور در جهان عرب بعد از اردن است که اقدام به دایر کردن دفتر بازرگانی رژیم صهیونیستی در دوحه کرده است. به دنبال قرارداد صلح «اسلو» که بین تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی به امضا رسید شیخ «حمدبن خلیفه آل‌ثانی» امیر تا چند روز قبل قطر با گشایش دفتر بازرگانی اسرائیل در دوحه موافقت کرد این در حالی بود که در آن زمان «بنیامین نتانیاهو» سمت نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی را به عهده داشت.

«سامی رافل» از دیپلمات‌های بلندپایه رژیم صهیونیستی در کتابی که در خصوص روابط دوحه و تل‌آویو نوشته صعود شیخ حمد به هرم قدرت را مرتبط با گسترش مناسبات قطر با اسرائیل می‌داند و می‌نویسد: امیر قطر به سرعت اقدام به تحکیم مناسبات کشورش با آمریکا از طریق امضای پیمان دفاعی مشترک کرد و اجازه داد تا این کشور در قطر پایگاه نظامی ایجاد کند. این مسئله سبب افزایش حمایت‌های آمریکا از قطر در مقابل فشارهای قدرت‌های منطقه‌ای از جمله عربستان شد. سه ماه پس از صعود شیخ حمد به هرم قدرت وی خواستار انتقال گاز قطر به اردن و اسرائیل شد. زمانی که «آریل شارون» در سال ۱۹۹۷ سمت وزیر زیرساخت‌های رژیم صهیونیستی بود، پیشنهاد خرید گاز از قطر را نپذیرفت اما هنگامی که تزیبی لیونی در همین سمت قرار گرفت، موضوع خرید گاز از قطر را پذیرفت و اعلام کرد: تل‌آویو آمادگی دارد که در سال ۲۰۱۱ از قطر گاز وارد کند.

در طول سال‌های گذشته خبرهای متعددی از سفرهای پنهانی مقامات قطری و اسرائیلی به پایتخت‌های یکدیگر منتشر شده است و امیر قطر نیز هیچ ابایی از ملاقات با سران رژیم صهیونیستی ندارد. قطر به قدری در پیگیری جریان سازش با رژیم اسرائیل جدی است که اخیرا خبری منتشر شد که از مقامات گروه حماس خواسته است خاک این کشور را به دلیل آن که این گروه حاضر نیست طرح صلح قطر را بپذیرد ترک کند. شیوخ حاکم بر قطر چنان که گفته شد به دلیل نداشتن مشروعیت داخلی بقای خود را به حمایت خارجی گره زده‌اند و تداوم این حمایت خارجی مشروط به حفظ موضع سازشکارانه با رژیم اسرائیل است. جابه‌جایی قدرت نیز خللی در این رویکرد ایجاد نمی‌کند اگر امیر جوان بخواهد در این مسئله کوچک ترین مقاومتی نشان دهد قطعا افراد دیگری در خاندان آل‌ثانی هستند که در گوشه‌ای نشسته و برای تصاحب جایگاه وی کمین کرده‌اند.

* روزنامه السفیر لبنان نوشته بود که یک فرستاده آمریکایی تصمیم قطعی واشنگتن مبنی بر کناره‌گیری امیر قطر را به وی ابلاغ کرده و از او خواسته است فرد مورد نظر آمریکا را جایگزین خود کند.

* قطر اولین کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس و دومین کشور در جهان عرب بعد از اردن است که اقدام به دایر کردن دفتر بازرگانی رژیم صهیونیستی در دوحه کرده است.

* تجهیزات و تعداد نظامیان آمریکایی در قطر بیشتر از ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین است.

* براساس اسناد ویکی لیکس شیخ تمیم در سال ۲۰۰۷ به «آلن بوید» نماینده جمهوری‌خواه آمریکا گفته بود که «پیشرفت در روند صلح مستلزم روابط با اسرائیل است».

اسنادی که ویکی لیکس در سال گذشته درباره دیدگاه‌های شیخ تمیم منتشر کرده که به خوبی نشان می‌دهد که وی نیز همچون پدرش متعهد به سازش اعراب و اسرائیل است. وی در مذاکرات خصوصی خود با آمریکایی‌ها میل خود به راه‌حل دو کشور در مورد درگیری‌های اسرائیل- فلسطین را بیان کرده است و بر اساس اسناد ویکی لیکس در سال ۲۰۰۷ به آلن بوید نماینده جمهوری‌خواه آمریکا این جمله را گفته بود: «پیشرفت در روند صلح مستلزم روابط با اسرائیل است».

شیخ حمد که بود؟

خانواده‌ای که اکنون در قطر حاکم است، یعنی خانواده «آل‌ثانی» یک خانواده سعودی است که به ریاست شیخ «حمد آل‌ثانی» از منطقه «نجد» عربستان سعودی به قطر مهاجرت کرده و در آن سکنی گزیدند.

شیخ حمد که بنیانگذار قطر به شمار می‌آید، در زمان حاکمیت خود تلاش کرد تا با بستن راه نفوذ سعودی‌ها به قطر استقلال این کشور را محقق کند. شیخ حمد دارای برادری بود که وی را به عنوان جانشین خود معرفی کرد، چون او را اصلح‌تر از پسرش «خلیفه» برای رسیدن به قدرت ملاحظه می‌کرد، اما برادرش بنا به دلایلی ولیعهدی را به پسر خود واگذار کرد و این بذر اختلافات و شکاف‌هایی را در خاندان ثانی به وجود آورد. زمانی که قطر در سال ۱۹۷۱ از انگلیس مستقل شد، حاکمیت شیخ «احمد بن علی آل‌ثانی» بر اثر کودتای نظامی پسر عمویش شیخ «خلیفه بن حمد آل‌ثانی» سرنگون شد... پس از کودتا، شیخ خلیفه اقدام به تحکیم پایه‌های حکومت خود از طریق واگذاری مناصب مهم و حساس حکومتی به فرزندانش کرد. شیخ حمد بزرگ‌ترین پسر شیخ خلیفه، امیر سابق قطر بود. او در تمام دوران تحصیلش شاگردی ضعیف بود و این موجب شد تا پدر، فرزند را قبل از اتمام مرحله متوسطه از مدرسه خارج کند و او را به دانشکده نظامی «ساند هرست» در انگلیس بفرستد. اما شیخ حمد در آنجا هم نتوانست تحصیلاتش را به پایان برساند. به همین دلیل پس از گذشت ۹ ماه از تحصیل از دانشکده نظامی «ساند هرست» فارغ‌التحصیل و با درجه ژنرالی به قطر بازگشت تا در سال ۱۹۷۱ میلادی به سمت فرمانده ارتش و ولیعهد قطر انتخاب شود.

حمد که نمی‌توانست تا مرگ پدر صبر کند وتشنه حکومت بر مردم قطر بود زودتر دست به کار شد و علیه پدر به طراحی کودتایی پرداخت که پدر نیز بر علیه پسر عمویش دست به آن زده بود. شیخ خلیفه نمی‌دانست مراسم خداحافظی برگزار شده برای او در فرودگاه بین‌المللی دوحه که برای سفرهای تابستانی خود راهی اروپا می‌شد، می تواند آخرین جشن برپا شده برای وی باشد و نمی‌دانست پسری که در برابر دوربین‌های تلویزیونی دستش را می‌بوسد، برای وی تدارک کودتایی را دیده است که به برکناری پدر از قدرت می‌انجامد.

فردای آن روز یعنی ۲۳ ژوئن ۱۹۹۵ و در اولین ساعات صبح تلویزیون رسمی قطر پس از پخش اعلامیه شماره یک شروع به نشان دادن شیوخی از آل‌ثانی و دیگر قبایل قطر کرد که با شیخ حمد به عنوان جانشین خلیفه که به جای پدر بر قدرت نشسته است، بیعت می‌کردند. بعدها گفته شد، تصاویر بدون صدای نشان داده شده جعلی بوده ومنابع نزدیک به شیخ خلیفه افشا کردند که این فیلم واقعی نبوده و پیشتر فیلمبرداری شده و به زمانی باز می گردد که شیخ حمد از شیوخ سرشناس قطر دعوت و اقدام به فیلمبرداری از آنها به ویژه در حال دست دادن و سلام کردن به شیخ حمد کرده بود و پس از کودتای شیخ حمد بر پدرش شیوخ قطر هیچ گاه با وی چنین بیعتی نداشتند وهمین موجب شد تا برخی رسانه‌ها این کودتای شیخ حمد را «کودتای تلویزیونی» و برخی دیگر «کودتای سفید» بنامند. بعدها گفته شد که «موزه آل مسند» همسر سوم حمد نقش موثری در تحریک وی برای انجام کودتا علیه شیخ خلیفه داشته است.

خرم سلطان قطر

مشابهت‌های زیادی را بین خرم سلطان سوگلی سلطان سلیمان امپراتور مقتدر عثمانی با «موزه آل مسند» همسر مقتدر شیخ حمد می‌توان یافت. هر دو زنان سوم پادشاه هستند، هر دو نقش موثری در دربار عثمانی و قطر داشته‌اند، هر دو با دسیسه‌چینی وحذف رقبا زمینه را برای ولایتعهدی فرزندشان فراهم کرده‌اند.

شاید به جرئت بتوان گفت ازدواج شیخ حمد با موزه فصل جدیدی در دوران سیاسی وی ایجاد کرد. ازدواج میان آل‌خلیفه و آل مسند در درجه اول یک توافقنامه سیاسی بود که قصد داشت تا مانعی بر سر راه خواسته و چشم داشت‌های بیش از حد آل‌مسند قرار دهد. موزه به عنوان همسر سوم شیخ حمدبن خلیفه وارد خانواده ثانی شد و به جای اینکه او براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده در حاشیه به سر برد و به زندگی خود ادامه دهد، توانست شیخ جوان را تحت سلطه درآورد که چشم به خلافت پدر دوخته بود.

هنوز یک سال از کودتای شیخ حمد نگذشته بود که در سال ۱۹۹۶ میلادی از کشف توطئه‌ای برای سرنگونی نظام حکومتی جدید به رهبری پسر عمومی شیخ خلیفه سخن به میان آمد و اینکه در این توطئه پسران شیخ حمد نیز مشارکت داشتند. نتیجه‌ای که این کودتا به دنبال داشت کلا به نفع موزه آل‌مسند و فرزندانش تمام شد.

به همین منظور «شیخ فهدبن حمد» از یگان زرهپوش که مسئولیت آن را برعهده داشت، طرد و به بنیادگرایی متهم شد. همچنین «شیخ مشعل بن حمد»، فرزند شیخ حمد امیر قطر که از جمله افراد شرکت‌کننده در این توطئه بود، از کشور تبعید شد. در آن زمان گفته شد که متهم کردن شیخ مشعل بن حمد به عمد توسط موزه صورت گرفت تا با دور کردن وی از قدرت زمینه ولایتعهدی را برای دو پسرش «جاسم» و «تمیم» فراهم کند.چون پس از این حادثه بود که در اکتبر سال ۱۹۹۶ میلادی «شیخ تمیم بن حمد» به عنوان ولیعهد قطر انتخاب شد. او پسر بزرگ موزه بود وهمانند پدر و سایر فرزندان حکام منطقه خلیج‌فارس از دانشکده نظامی ساندهرست انگلیس فارغ‌التحصیل شده بود، بدون آن که دوره متوسطه خود را به پایان برساند.همین موجب شد تا منابع آگاه قطری موزه را عامل اصلی این کودتا در خاندان ثانی بدانند. در واقع موزه نوک پیکان این انقلاب بود و با استفاده از خود افراد خاندان ثانی آن را به اجرا گذاشت. این منابع پس از موزه از «شیخ حمدبن جبر آل‌ثانی»، نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر نیز یاد می‌کنند که در این کودتا شرکت داشت.

به این ترتیب موزه موفق شد، پس از انقلاب ۱۹۹۶ پسرش شیخ جاسم را به عنوان ولیعهد منصوب کند. اما این امر مانع از توسعه روابط و ایفای نقشش در محافل خاندان حاکم نشد، حتی موزه متعهد به حمایت از پسرش پس از مرگ همسرش نیز شد. این در حالی بود که شیخ کوچک دشمنان متعددی داشت. برادران ناتنی‌اش که از زنان دیگر شیخ حمد بودند، در پی کسب قدرت بودند و شیخ عبدالله عمویش نیزخود را بیش از او و هر کس دیگر در قطر شایسته ولیعهدی می‌دانست.

این موجب شد تا موزه روابط خود با آمریکا را تقویت کند، به همین دلیل پسر را برای اولین بار پس از رسیدن به ولیعهدی راهی آمریکا کرد. سفر پسر موزه به آمریکا با توجه بسیار توسط رسانه‌ها پوشش داده شد، چون آنها تمایل بسیاری داشتند تا هر آنچه را که نمی‌دانستند از وی دریابند. به ویژه نقشی که وی و پدرش در کودتا علیه شیخ خلیفه ایفا کردند و اینکه وی چگونه توانست با کمک مادرش برادران بزرگ‌تر خود را از ولیعهدی محروم کند و پس از متهم کردن آنها به کودتا علیه پدرش آنها را تحت اقامت اجباری قرار دهد و آنها را به دقت زیر نظر داشته باشد.

كلمة حضرة صاحب السمو الشيخ حمد بن خليفة
آل ثاني حفظه الله إلى الشعب القطري الكريم

*امیر قطر روز سه شنبه در یک نطق رادیو تلویزیونی رسما از قدرت به نفع پسرش شیخ تمیم کناره گیری کرد.

ماجرای انتقال قدرت در قطر

منابع خبری ماه گذشته خبر دادند که حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر ۶۱ ساله قطر در حال مهیا کردن شرایط برای انتقال رهبری به پسر چهارم خود، شیخ تمیم بن حمد است. بر اساس این خبر امیر قطر از بیماری شدید کلیه رنج می‌برد و پزشک‌های معالج به وی توصیه کرده‌اند که باید استراحت مطلق داشته باشد. به همین دلیل وی تصمیم گرفته است قدرت را به فرزندش واگذار کند. ولی مشخص نیست که این تصمیم یک تصمیم شخصی بوده است یا به دلیل رقابت قدرت در خاندان آل ثانی و یا فشار خارجی این تصمیم اتخاذ شده است، پیش از این روزنامه السفیر لبنان نوشته بود که یک فرستاده آمریکایی تصمیم قطعی واشنگتن مبنی بر کناره‌گیری امیر قطر را به وی ابلاغ کرده و از او خواست فرد مورد نظر آمریکا را جایگزین خود کند سرانجام شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی امیر قطر در یک سخنرانی که سه شنبه گذشته به طور مستقیم از شبکه تلویزیون دولتی این کشور پخش شد اعلام کرد که بعد از ۱۸ سال حکمرانی، قدرت را به ولیعهد (شاهزاده تمیم) می سپارد.او همچنین از مردم قطر خواست تا از امیر جدید در ماموریت جدیدش حمایت کنندتمیم تنها ۳۳ سال دارد و پیش از فارغ التحصیل شدن از آکادمی نظامی سندهورست در سال ۱۹۹۸ در انگلستان به مدرسه می رفت. وی در سال ۲۰۰۳ به عنوان جانشین پادشاه قطر معرفی شد تا بی سر و صدا به جای برادر بزرگ تر خود، شیخ جاسم ولیعهد شود کسی به درستی نمی داند که چرا جاسم چرا به نفع برادر خود ولیعهدی را واگذار کرد. وب سایت شخصی تمیم، فهرستی از عناوینی چون رئیس کمیته ملی المپیک قطر، مدیر شورای عالی آموزش و پرورش و معاون فرمانده نیروهای مسلح را برای او عنوان کرده است. شیخ تمیم در بسیاری از طرح های دیپلماتیک منطقه ای قطر، از جمله مذاکرات در دارفور، لبنان و یمن شرکت داشته و او در سال ۲۰۱۰ ریاست هیات نمایندگی ترمیم روابط دیپلماتیک قطر با عربستان را نیز بر عهده داشته است.

برخی گمان می کنند روابط نزدیک شیخ تمیم با اخوان المسلمین، سیاست قطر را در مسیر محافظه کارانه قرار مــی دهد و احتمالا روابط با آمریکا را تیره می کند. این فرض از اساس باطل است چرا که در صورتی که آمریکا کوچک ترین مخالفتی با جانشینی تمیم داشت قطعا فرایند جانشینی تمیم با مشکل جدی مواجه می شد.

در کل، شیخ تمیم بر منافع مشترک قطر و آمریکا تاکید می ورزد. و چنان که در بخش قبلی نیز اشاره شد وی در مذاکرات خصوصی خود با آمریکایی ها تمایل خود را به راه حل دو کشور در مورد مسئله فلسطین را بیان کرده است و بر اساس اسناد ویکی لیکس در سال ۲۰۰۷ به آلن بوید نماینده جمهوری خواه آمریکا این جمله را گفته بود که " پیشرفت در روند صلح مستلزم روابط با اسرائیل است.

نتیجه‌گیری

می‌توان گفت جابه‌جایی قدرت در قطر از شیخ حمد به شیخ تمیم ۳۳ ساله به هر دلیلی که باشد مناسبات قدرت در خاندان آل‌ثانی در راهروهای کاخ سفید تعیین خواهد شدو با توجه به قراردادهای امنیتی دوحه- واشنگتن می توان نتیجه گرفت که قطر در زمان امیر جدید نیز در مدار آمریکا و خط سازش اعراب و اسرائیل حرکت خواهد کرد هر چند ممکن است در این چارچوب کلی استقلال عمل جزئی نیز برای پیگیری سیاست خارجی بلندپروازانه خود- البته تا جایی که آمریکا تعیین می‌کند- داشته باشد.